



گمانی درباره محل نظم همای نامه

پدیدآورده (ها) : آیدنلو، سجاد

تاریخ :: گزارش میراث :: بهمن و اسفند 1388 - شماره 37

از 12 تا 13

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/863119>

دانلود شده توسط : مهدی ابراهیمی

تاریخ دانلود : 13/09/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

گمانی درباره محل نظم همای نامه

سجاد آیدنلو^۱

همای نامه منظومه‌ای است در ۴۳۳۲ بیت درباره داستان مهرورزی همای، پسر شهریار مصر، بر گل کامکار، دختر شاه شام، و دشواریها و نبردهای پیش روی او برای رسیدن به دلدار. این مثنوی را که مشابه موضوع آن در دیگر منظومه‌ها (مانند جمشید و خورشید و سام‌نامه) و شماری از روایات عامیانه ایرانی (نظیر سمک عیار و فیروز شاه‌نامه) بارها تکرار شده است، می‌توان گونه‌ای رمانس دانست. سراینده همای‌نامه ناشناخته است، اما پژوهشگران زمان نظم آن را احتمالاً سده هفتم دانسته‌اند^۲ و این از قرینه‌های در خود متن هم تأیید می‌شود.^۳ از این منظومه تا امروز تنها یک نسخه شناخته شده که از آن چستر بی‌تی بوده است. این دست‌نویس نخستین بار به خط شادروان استاد شرف‌الدین خراسانی (شرف) و با مقدمه کوتاه آرتور جان آبربی به سال ۱۹۶۳م در لندن منتشر و چندین سال بعد به کوشش استاد محمد روشن در تهران (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ش) چاپ شده است.

در پژوهش‌های اندک شماری که درباره این منظومه صورت

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور اورمی

۱. برای خلاصه‌ای از روایت این منظومه، نک: همای‌نامه، مقدمه و تصحیح و حواشی محمد روشن، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۸۳، صص سیزده - بیست و یک.
۲. نک: متینی، جلال، «همای‌نامه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۵۴ص، صص ۳۵۰ و ۳۵۱.
۳. در این باره، نک: آیدنلو، سجاد؛ «رمانس همای‌نامه»، نرسیده تریج (بیست مقاله و نقد درباره شاهنامه و ادب حماسی ایران)، با مقدمه جلال خالقی مطلق، اصفهان، نقش مانا ۱۳۸۶ش، صص ۴۳۷.
۴. این تحقیقات غیر از مقدمه مختصر آرتور جان آبربی بر چاپ نخست متن، به ترتیب تاریخ انتشار عبارت است از: متینی، جلال، «همای‌نامه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، همان، صص ۳۱۵-۳۵۱؛ همو، «درباره همای‌نامه»، مجموعه سخنرانیهای ششمین کنگره تحقیقات ایرانی، تبریز، دانشگاه آذربایجان، ۱۳۵۷ش، ج ۳، صص ۴۶۲-۴۶۶؛ روشن، محمد، «همای‌نامه منظومه ناشناخته حماسی»، نامه انجمن، سال اول، شماره سوم (پیاپی ۳)، پاییز ۱۳۸۰ش، صص ۳۱-۵۷؛ همای‌نامه، همان، صص نه - شصت و هشت.

گرفته^۴ هیچ اشاره یا حدسی درباره محل نظم احتمالی آن مطرح نشده است ولی در حاشیه برگ نخست دست‌نویس متن یادداشتی به خط شخصی به نام ابراهیم‌بن ترکی آمده است که با تأمل در آن شاید بتوان مکان سرایش همای‌نامه را - هر چند به حدس و گمان - تعیین کرد. متن این وقف‌نامه - که عکس برگ مربوط به آن در همای‌نامه تصحیح استاد روشن (ص شصت و نه) چاپ شده - چنین است: «وَقَفْتُ هَذَا الْكِتَابَ عَلَى الْمَسْجِدِ الَّذِي بِنَاءِ الْأَخِ الْمَوْقُرِّ الْمَكْرَمِ زَعِيمِ الْجَيْشِ شَرَفُ الدِّينِ امِيرِ اَحْمَدِ بْنِ تَرْكِي ...^۵ سلیمان‌شهر و علی المدرسه التي بناها المذكور بظاهر المدینه المذكورة و يحفظ في المسجد و ينقل الي المدرسه ان احتيج اليه و لا يخرج من الموضعين المذكورين الا برهن وثيق فمن بدله بعد ما سمعته فانما اثمه على الذين يدولونه ان الله سميع عليهم. كَتَبْتَهُ بَخْطِي و انا ابراهيم بن تركي في شهر رمضان المبارك سنة اثنين و سبعمائة يا: اثنين عشر سبعمائة»^۶

مطابق این یادداشت ابراهیم‌بن ترکی نسخه‌ای از همای‌نامه را به سال ۷۰۲ یا ۷۱۲ق به مسجد و مدرسه‌ای^۷ در سلیمان شهر وقف کرده است. از آنجایی که تاریخ وقف به زمان نظم محتمل منظومه (قرن هفتم و به گمان بسیار نیمه دوم این سده) نزدیک است شاید کتابت تک‌نسخه متن نیز در همان مکان وقف یعنی سلیمان شهر انجام گرفته است. از آنجا که استاد روشن نیز اشاره کرده‌اند (ص شصت و هفت) کلمه‌ای در عکس ناخواناست.

۶. در عکس نسخه به دو صورت «اثنين و سبعمائة» و «اثنين عشر سبعمائة» خوانده می‌شود.

۷. عبارت «يَحْفَظُ فِي الْمَسْجِدِ وَ يُنْقَلُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ أَنْ أُحْتِجَّ إِلَيْهِ» در وقف‌نامه نشان می‌دهد که احتمال داشته است منظومه‌ای مانند همای‌نامه در مدرسه‌ای در سلیمان شهر سده هشتم مورد نیاز و مراجعه باشد و این با توجه به نوع کتابهای مورد تدریس و آموزه‌های مدارس آن عصر نکته درخور عنایتی است همچنان که وقف این منظومه به مسجد، همانند این موضوع - که گواهیهای جالب و در عین حال نادری از نفوذ ادب داستانی و پهلوانی ایران در جوانب گوناگون زندگی و فرهنگ گذشتگان ماست - نسخه‌ای از شاهنامه (به تاریخ کتابت ۸۶۸ق) است که شاه عباس به مقبره شاه صفی وقف کرده بوده و در برگ نخست آن از زبان وی نوشته شده است «وقف نمود این کتاب را... عباس الصفوی بر آستانه... شاه صفی... که هر که خواهد بخواند مشروط به آنکه از آن آستانه بیرون نبرند». نک: خالقی مطلق، جلال، «معرفی و ارزیابی برخی از دست‌نویسهای شاهنامه»، ایران‌نامه، سال سوم، شماره سوم، بهار ۱۳۶۴ش، صص ۳۹۸.

سوی دیگر چون این گونه منظومه‌ها برخلاف آثاری به سان شاهنامه از اقبال و علاقه عمومی چندانی بهره‌مند نبودند، تصور اینکه همای‌نامه پس از سرایش، در شهرهای دیگر شناخته شده و در نتیجه یگانه دستنویس آن بیرون از محل نظم کتاب استساخته شده باشد، نامحتمل می‌نماید و پذیرفتنی‌تر این است که نظم همای‌نامه هم در همان شهر محل کتابت

(سلیمان‌شهر) روی داده است.

نگارنده در مقاله‌ای که چند سال پیش در معرفی و بررسی تصحیح همای‌نامه نوشته، پس از طرح حدس مذکور درباره احتمال سرایش این اثر در سلیمان‌شهر تصریح کرده است که «در حد جستجوهای خویش در منابع جغرافیایی و تاریخی قابل دسترس نتوانست به موقعیت مکانی سلیمان‌شهر دست یابد و در همین جا از محققان و صاحب‌نظران می‌خواهد که

از آناتولی فرمان می‌رانند — به بکشهری پایتخت آنها داده می‌شود.^۲ از این روی و بنا بر احتمال پیش گفته شاید سراینده ناشناس همای‌نامه این منظومه را در سلیمان‌شهر (بکشهری) آناتولی / آسیای صغیر و به هنگام حکمرانی سیف‌الدین سلیمان اول یا پسرش مبارزالدین محمد بیک — که روزگار فرمانروایی ایشان بر این ناحیه با تاریخ احتمالی نظم

همای‌نامه مطابقت دارد — سروده شده باشد و مراد از «امیر همایون» در بیتی که ناظم به صورت کلی و پوشیده به مهتر زمان خویش اشاره کرده،^۳ احتمالاً یکی از این دو تن است. اگر همه این دریافتها و گمانها درست باشد، نمونه‌ای دیگر بر شواهد نفوذ زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی — آن هم در حوزه ادب داستانی و پهلوانی — افزوده خواهد شد.



۱. آیدنلو، سجاد، «رمانس همای‌نامه»، ایران‌شناسی، سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۴ش، ص ۵۰۵؛ باز چاپ آن در نرسیده تریج، ص ۴۴۸.

۲. نک: دیانت، علی‌اکبر، «اشرف اوغوللری»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۱ش، صص ۲۹ و ۳۰.

۳.

به یک سال گفتم نه بیش و نه کم

به نام امیر همایون هم

(همای‌نامه، ۱۷۵ / ۴۳۰)

اگر اطلاعاتی درباره این شهر یا ناحیه در جغرافیای تاریخی ایران دارند منتشر کنند»^۱.

پس از تجدید چاپ این گفتار در مجموعه نرسیده تریج، فرهیخته ارجمند جناب آقای دکتر شاهین سپنتا از اصفهان در تماسی تلفنی یادآوری کردند که نام این شهر در مدخل «اشرف اوغوللری» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی آمده است.

بر اساس این منبع، سلیمان‌شهر نامی است که به مناسبت اسم سیف‌الدین سلیمان اول سرسلسله خاندان اشرف اوغوللری — که در حدود ۶۸۶-۷۲۶ق بر بخشی



گزارش میراث

دوره دوم، سال چهارم، شماره ۳۷، بهمن و اسفند ۱۳۸۸